

آیا لغو " نظارت استصوابی " نباید در سرلوحه " پیش شرط های برگزاری انتخابات آزاد " قرار داشته باشد ؟

بنظر ما با توجه بمسائلی که اشاره رفت ، در انتخاباتی که مردم بدون هیچگونه محدودیتی نتوانند کاندید مورد علاقه خود را معرفی کنند و آزادانه بنفع آن کاندیدا و برنامه های انتخاباتی ارائه شده از سوی وی تبلیغ نمایند و در رابطه با نظرات و برنامه های نیروهای رقیب و مخالف دست بمخالفت زنند، نمی تواند " آزاد " باشد.

... باید به این مهم توجه داشت ، که برگزاری انتخاباتی که کاملاً تحت کنترل ۱۲ نفری اعضای انتصابی شورای نگهبان قرار دارد و در واقع این حضرات بر پایه خواست گروهی خود حکم می کنند که چه کسی حق کاندید شدن را دارد و چه کسانی از این حق محروم هستند ، " آزاد " نبوده و نباید آنرا بنام " انتخابات آزاد " برسمیت شناخت !

ما سوسیالیست های مصدقی مکرراً اعلام کرده ایم که دفاع از " حقوق بشر " و اعتراض به پایمال شدن و نقض آن حقوق، بهیچوجه مرز ، محدودیت و خط قرمزی را برسمیت نمی شناسد.
اعتراض به نقض این حقوق، از سوی هر فرد و نیرو و یا دولت و یا حزب بیگانه و همچنین ارگانهای و نهادهای بین المللی که انجام گیرد، بهیچوجه بمعنی دخالت آن نیروها در امور داخلی ایران نباید محسوب گردد!

از طریق شبکه اینترنتی وبه نقل از خبرگزاری " ایلنا " مطلع شدیم که آقای هاشم صباغیان ، یکی از اعضای شورای مرکزی نهضت آزادی ایران ، در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری ، در یک مصاحبه ای بیان داشته اند که :

« اگر پیش شرطهای برگزاری يك انتخابات آزاد تحقق یابد، مردم را به حضور در انتخابات دعوت می‌کنیم.»

خبر گزاری ایلنا در رابطه با " پیش شرط های مورد نظر " آقای صباغیان چنین نوشته است :
« : عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران، گفت: تحقق پیش‌شرطهای برگزاری يك انتخاب آزاد، تامین‌کننده منافع ملی ایران است.

هاشم صباغیان در گفت‌وگو با خبرنگار "ایلنا" با تأکید بر لزوم آزادی زندانیان سیاسی، آزادی مطبوعات، آزادی احزاب و پایان دادن به احضار فعالان سیاسی و مطبوعاتی، به منظور افزایش مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری، تصریح کرد: در صورتی که این مسائل که پیش شرطهای برگزاری يك انتخاب آزاد است، تحقق یابد، مردم را به حضور در انتخابات دعوت می‌کنیم.

وی افزود: اگر مسوولان دقت کنند، به لزوم برگزاری يك انتخاب آزاد و سالم با توجه به شرایط کنونی جهانی و منطقه‌ای پی می‌برند.

عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران با بیان اینکه به عنوان يك حزب، عرصه انتخابات را در مواجهه مستقیم با منافع ملی ایران می‌دانیم، بنابراین برای این امر ارزش بسیاری قائل هستیم. تصریح کرد: در حال بررسی و مطالعه کلیت امر انتخابات و شرایط پیش رو هستیم.

وی با اشاره به نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری با طرح این مطلب که در این انتخابات افراد مطرح نیستند و باید برنامه‌های نامزدها را مدنظر قرار دهیم، خاطر نشان کرد: کاندیداها باید برنامه‌ها و مجریان برنامه‌های خود را به

صورت شفاف بیان کنند و مشخص نمایند که چگونه می‌توانند این برنامه‌ها را تحقق بخشند. در این صورت مردم می‌توانند نسب به آنها تصمیم بگیرند. « (همه جا تکیه از ماست) .

چون در خبر " ایلنا " آمده است که " نهضت آزادی " در حال بررسی و مطالعه کلیت امر انتخابات و شرایط پیش رو " می باشد. لذا در رابطه با محتوی گفتار آقای صباغیان ، این سؤال مطرح است که چرا در رابطه با " پیش شرط های یک انتخابات آزاد " به لغو " نظارت استصوابی " ، " قانونی " که در مغایرت کامل با هر نوع " انتخابات آزاد " و حتی " قانون اساسی جمهوری اسلامی " قرار دارد ، اشاره ای نرفته است؟

چه مسئله ای باعث شده است تا در آن مصاحبه به لغو " نظارت استصوابی " اشاره ای نشود ؟ و یا اینکه شاید جناب آقای صباغیان در حین گفتگو با خبرنگار " ایلنا " بکل این موضوع را فراموش کرده اند . اگرچه از بیان این جمله از سوی ایشان مبنی بر اینکه : " در این انتخابات افراد مطرح نیستند و باید برنامه‌های نامزدها را مد نظر قرار دهیم " ، احتمالاً می توان چنین برداشت نمود که خدای نخواستہ این جناب امر ، حذف بسیاری از " نامزدها " از سوی " شورای نگهبان " را بعنوان یک امر طبیعی که بیانگر بخشی از خصلت و ماهیت ضد مردمی آن نظام می باشد ، پذیرفته اند!

پیش شرط هائی که آقای صباغیان در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری از آنها صحبت کرده اند، یعنی : « آزادی زندانیان سیاسی، آزادی مطبوعات، آزادی احزاب و پایان دادن به احضار فعالان سیاسی و مطبوعاتی » ، کاملاً مورد تأیید ما سوسیالیست های ایران نیز می باشد و ما گمان نداریم که بتوان فردی از ادیخواه در بین نیروهای سیاسی ایرانی پیدا کرد که از این خواست ها ، که ایشان در مصاحبه خویش بعنوان " پیش شرط " ، مطرح کرده اند ، بطور عام پشتیبانی نکند و در فعالیت های روزمره خود بر آنها تأکید نوزد . در هر حال ما سوسیالیستهای ایران بمبارزات نهضت آزادی و اعضای آن حزب برای تحقق " حاکمیت قانون " در ایران ارج می نهیم و از فعالیت های آنها در این سمت و سوی پشتیبانی می نمایم .

اما مشکلی که اکثر نیروهای سیاسی طرفدار " حاکمیت قانون " ، از جمله ما سوسیالیست ها با آن روبروئیم، علاوه بر پایمال شدن حقوق سیاسی که قانون اساسی جمهوری اسلامی برای مردم ایران در نظر گرفته است - امری که جلوگیری از ادامه نقض آنها را آقای صباغیان تحت عنوان " پیش شرط های برگزاری انتخابات آزاد " خواستار شده است - ، وجود " نظارت استصوابی " و تأکید نهاد شورای نگهبان و نیروهای تمامیت خواه و سرکوبگر هیئت حاکمه بر وجود چنین " حقوق ویژه غیردمکراتیک " برای آن نهاد، می باشد.

" نظارت استصوابی " شورای نگهبان در مغایرت کامل با انتخابات یک مرحله ای که قانون اساسی جمهوری اسلامی بعنوان حقوق مردم ایران برسمیت شناخته است قرار دارد. در واقع ، این حق ویژه شورای نگهبان ، بخش بزرگی از مردم ایران را از داشتن حق معرفی و انتخاب کاندید مورد اعتماد و علاقه خود کاملاً محروم کرده می کند. در واقع وجود " نظارت استصوابی " در کنار " حکم حکومتی " که مقام رهبری برحلاف قانون اساسی جزو حقوق خود محسوب کرده است ، سبب شده اند تا " حاکمیت قانون " بهیچوجه در ایران نتواند متحقق گردد.

بنظر ما با توجه بمسائلی که اشاره رفت ، در انتخاباتی که مردم بدون هیچگونه محدودیتی نتوانند کاندید مورد علاقه خود را معرفی کنند و آزادانه بنفع آن کاندیدا و برنامه های انتخاباتی ارائه شده از سوی وی تبلیغ نمایند و در رابطه با نظرات و برنامه های نیروهای رقیب و مخالف دست بمخالفت زنند، نمی تواند " آزاد " باشد.

من در اینجا از خواست " دمکراتیک " بودن انتخابات صحبت نمی کنم ، چون تا زمانیکه در کشوری همچون ایران، دستگاههای تبلیغاتی دولتی و مذهبی در خدمت منافع یک جناح مشخص عمل میکنند و دستگاه قضائی جلوی هر نوع فعالیت سیاسی گروه های غیر دولتی و رقبای سیاسی جناح تمامیت خواه رژیم را می گیرد ، صحبت از " انتخابات آزاد و دمکراتیک " ، عوامفریبی محض خواهد بود. برای جلوگیری از هرگونه سوء تفاهمی ، ضروریست مجدداً خاطر نشان ساخت که بر پایه محتوی قانون اساسی جمهوری اسلامی بهیچوجه امکان نخواهد داشت تا بتوان نظامی مردم سالار در ایران برقرار کرد ، مگر اینکه اصول غیر دمکراتیک آنرا حذف کرد. مسئله ای که موضوع بحث این نوشته نیست .

وانگهی "شرایط کنونی جهانی و منطقه‌ای" ، نباید سبب گردد تا ما به این وضع ناهنجار و غیر دموکراتیک حاکم بر وطنمان سرپوش بگذاریم و در مقابل اینهمه اجحافات و نامردمی ، سکوت اختیار کنیم و یا انتخابات ریاست جمهوری که در پیش است را احتمالاً با آزاد شدن چند زندانی و اجازه انتشار چند روزنامه و مجله - آنهم بطور موقت - ، "انتخابات آزاد" بنامیم .

همچنین نباید از خاطر بدور داریم که هیئت حاکمه جمهوری اسلامی در اثر سیاست و تصمیمات غلط و نابخردانه و عملکردهای سرکوبگرانه و تمامیت خواهانه و استبدادیشان خود در بوجود آوردن "شرایط کنونی جهانی و منطقه‌ای" ، سهیم بوده است و در حقیقت در بوجود آوردن این وضع بی تقصیر نیست ! کافی است فقط به محتوی بیانات اخیر آقای کلینتون ، رئیس جمهور پیشین ایالات متحده آمریکا در نشست مجمع جهانی اقتصاد در داووس - سوئیس توجه کرد ، (۱) آنوقت می بینیم که آشنا نبودن مقام رهبری آیت الله خامنه ای و حتی رئیس جمهور خاتمی به اداره کردن کشور و چگونگی روابط بین المللی در قرن ۲۱ ، سبب شدند تا چه موقعیت های حساس و خطیری برای حل مشکلات و اختلافات موجود بین ایران و ایالات متحده آمریکا از دست داده شود و در اثر بی توجهی این مقامات ضررهای جبران ناپذیری متوجه منافع ملی مردم ایران گردد!

روشن است که این وظیفه نیروهای ملی ، از جمله نیروهای طرفدار "راه مصدق" است که از منافع ملی و تمامیت و استقلال ایران دفاع نمایند، و با هرگونه دخالت بیگانگان در امر "حاکمیت ملی" بمقابله برخیزند . ولی دفاع از "منافع ملی" ، نباید و نمی تواند به سکوت در مقابل عملکرد های غیر قانونی ، سرکوبگرانه و تمامیت خواهانه جناح هائی از هیئت حاکمه رژیم جمهوری اسلامی توأم باشد!

ما سوسیالیست های مصدقی مکرراً اعلام کرده ایم که دفاع از "حقوق بشر" و اعتراض به پایمال شدن و نقض آن حقوق، بهیچوجه مرز ، محدودیت و خط قرمزی را برسمیت نمی شناسد . اعتراض به نقض این حقوق، از سوی هر فرد و نیرو و یا دولت و یا حزب بیگانه و همچنین ارگانهای و نهادهای بین المللی که انجام گیرد، بهیچوجه بمعنی دخالت آن نیروها در امور داخلی ایران نباید محسوب گردد!

فشار های بین المللی و اعتراض به مقامات جمهوری اسلامی در رابطه با نقض حقوق بشر ، همانطور که اشاره رفت ، بهیچوجه دخالت در امور داخلی ایران نیست ، زیرا چنان موضعی در خدمت دفاع از حقوق ملت می باشد. کودتای ۲۸ مردادعلیه حکومت ملی مصدق دخالت در امور داخلی ایران بود. ولی در همین جا باید صریحاً بیان داشت که رژیم حاکم بر ایران ، نماینده واقعی مردم ایران نیست و در همین رابطه است که جناحهایی از هیئت حاکمه با تقلب و توسل به شیوه های غیر دموکراتیک، از جمله بکار گرفتن "نظارت استصوابی" کوشش دارد تا بر فاصله ای که با ملت ایران پیدا کرده است پرده استتار بکشد و مرتب دست بخود فریبی بزند.

نیروهای طرفدار "راه مصدق" ، همانقدر که برای "استقلال" ارزش و احترام قائل هستند، برای "آزادی" نیز قائل می باشند. با توجه به این اعتقادات و نظرات است که نیروهای مصدقی بر این اصل پافشاری دارند که، در جوامعی همچون ایران که نیروهای طرفدار استبداد و استعمار در جامعه حضور دارند، حفظ استقلال و کسب آزادی لازم و ملزوم یکدیگرند و در واقع این دو ، دوروی یک سکه اند. استمرار مبارزات نهضت ملی ایران در طول صد سالی که از عمر این "نهضت" می گذرد ، سبب شده است تا "ارزش" های استقلال و آزادی ، عنصرهای اصلی هویت سیاسی این نیروها را تشکیل دهد.

پس از پیروزی "انقلاب شکوهمند ۱۳۵۷" ، زمانیکه نیروهای مصدقی مشاهده کردند که رهبران جمهوری اسلامی ، برای یکی از خواست های اصلی و محوری انقلاب مردم ، یعنی "آزادی" ، برخلاف قول و وعده هائی که قبل از پیروزی "انقلاب بهمن ماه ۱۳۵۷" به مردم ایران داده بودند ، ارزش و احترامی قائل نمی شوند ، قدم بقدم از هیئت حاکمه فاصله گرفتند و حتی برخی از این نیروها علناً بمقابله و مبارزه با هیئت حاکمه مستبد و قانون شکن جمهوری اسلامی برخاستند .

بنظر ما سوسیالیست های ایران ، صرف پاسخ مثبت هیئت حاکمه به پیش شرط های مطرح شده از سوی آقای هاشم صباغیان و دیگر نیروهای سیاسی از قبیل ۱۸ گروه وابسته به "جبهه دوم خرداد" - که برای تحقق چنین خواست هائی فعالیت می کنند - ، باید به این مهم توجه داشت ، که برگزاری انتخاباتی که کاملاً تحت کنترل ۱۲ نفری اعضای انتصابی شورای نگهبان قرار دارد و درواقع این حضرات بر پایه خواست گروهی

خو دحکم می کنند که چه کسی حق کاندید شدن را دارد و چه کسانی از این حق محروم هستند ، " آزاد " نبوده و نباید آنرا بنام "انتخابات آزاد" برسمیت شناخت !

حتماً ، تمام نیروهای آزادیخواه و طرفدار نظام دموکراسی ، در این رابطه با ما هممنظر هستند که مردم ایران « سفیه » و « صغیر » نمی باشند تا احتیاجی به « ولی » ، « وصی » و « قیم » داشته باشند !

دکتر منصور بیات زاده

۱۴ بهمن ۱۳۸۳ برابر با دوم فوریه ۲۰۰۵

Socialistha@ois-iran.com

www.ois-iran.com

(۱) - جمعه ۹ بهمن ۱۳۸۳ - ۲۸ ژانویه ۲۰۰۵

ایرنا: "بیل کلینتون" رییس جمهور پیشین آمریکا روز پنجشنبه پذیرفت که آمریکا مسوول سرنگونی دولت دکتر محمد مصدق بوده است.

کلینتون که در یکی از نشست های مجمع جهانی اقتصاد در داووس سوییس سخن می گفت ضمن مقایسه دولت آینده عراق و ایران افزود: "ایران يك نمونه كاملا متفاوت است .

کلینتون افزود: "آمریکا در سال هزار و نهصد و چهل و یک [که بیشک منظورشان ۱۹۵۳ بوده] فردی آزادیخواه و مردم سالار منتخب مردم آن کشور را سرنگون کرد و شاه را به حکومت باز گرداند."

رییس جمهور پیشین آمریکا گفت: "هر چند بیان چنین مطلبی از سوی يك فرد آمریکایی مناسب نیست ولی این مطلبی است که به آن اعتقاد دارم. " کلینتون گفت: "سپس آیت الله خمینی، شاه را سرنگون و ما را مجبور کرد به سمت صدام برویم."

رییس جمهور سابق آمریکا اعتراف کرد که اقدامات تجاوزکارانه صدام حسین علیه جمهوری اسلامی ایران با پشتیبانی آمریکاصورت گرفته بود.

وی گفت: "بدترین اقداماتی که صدام حسین در دهه هزار و نهصد و هشتاد انجام داد با آگاهی کامل و حمایت دولت آمریکا بود."

کلینتون گفت: "هنگامی که (محمد) خاتمی انتخاب شد من (از سرنگون کردن دولت مصدق) عذرخواهی کردم. امیدوار بودم که بتوانم روابط حسنه ای با ایران داشته باشیم."